

Qur'anic Strategies for Strengthening Social Resilience against Enemy Cognitive Warfare

Seyyed Masoum Hosseini¹, Fatemeh Hedayati²

1. Assistant Professor, Department of Qur'anic Exegesis and Sciences, University of Qur'anic Sciences and Teachings, Qom, Iran. Email: m.hosseini@quran.ac.ir

2. Level 4 Seminary in Comparative Qur'anic Exegesis, Hazrat Khadijah Specialized Seminary, Babol, Iran.
(Corresponding Author) Email: fadak1835@yahoo.com

Research Article



Abstract

This study examines Qur'anic strategies for strengthening social resilience in the face of the enemy's cognitive warfare. Its central research question concerns which patterns derived from the text of the Holy Qur'an can provide a foundation for reinforcing social stability and cohesion under the complex conditions of the contemporary world, in which adversaries employ media tools and psychological operations to influence the perceptions, beliefs, and behavior of Islamic societies. The significance of the study lies in the fact that cognitive warfare, unlike conventional warfare, targets the collective mind and identity. Countering such warfare therefore requires profound and sustainable strategies grounded in authentic religious sources. Employing a descriptive-analytical method, the study examines Qur'anic verses related to such concepts as resistance, patience, insight, awareness, unity, and social cohesion. It first clarifies the key concepts associated with social resilience and cognitive warfare and then classifies and analyzes selected verses in accordance with these conceptual categories. To enhance the accuracy and validity of the analysis, the study draws on authoritative Shi'i and Sunni exegetical sources, including al-Mizān, Tasnīm, Fī Zīlāl al-Qur'an, and Majma' al-Bayān, as well as other relevant exegetical works and scholarly studies. This approach ensures that the interpretation of the selected verses is based on a systematic and in-depth understanding of the Qur'anic text. The findings indicate that the Holy Qur'an presents an integrated and multilayered set of strategies for confronting cognitive threats. These strategies not only strengthen individuals against psychological and propagandistic pressures but also contribute to the formation of a resilient, informed, and cohesive society. The findings classify these strategies into four principal levels: psychological-affective, cognitive, behavioral, and institutional-social. At the psychological-affective level, the Qur'an reinforces individuals' inner stability by emphasizing patience, trust in God, hope in divine assistance, and tranquility of the heart, thereby increasing their resistance to anxiety and the enemy's negative insinuations. At the cognitive level, the Qur'an emphasizes insight, reflection, contemplation of the divine signs, and the rejection of blind imitation. These principles

Received: 2025-09-07 | Received in revised form: 2025-10-25 | Accepted: 2026-02-24 | Published online: 2026-03-21

◆ **How to cite:** Hosseini, Seyyed Masoum, Hedayati, Fatemeh(1405SH): Qur'anic Strategies for Strengthening Social Resilience against Enemy Cognitive Warfare, *Quran and social sciences*, 1(21),p36-67, 1022034/arq.2026.247832

enhance individuals' capacity for discernment and reduce their vulnerability to distortion, misinformation, and doubt. At the behavioral level, the Qur'an presents practical models of resistance, jihad, enjoining what is right, and forbidding what is wrong, thereby encouraging active and responsible participation in society. At the institutional-social level, it emphasizes unity, solidarity, adherence to religious authority, and the avoidance of division. These elements play a fundamental role in preserving social cohesion and neutralizing the enemy's divisive strategies. Overall, the proposed model demonstrates that social resilience in Qur'anic thought is not merely an individual or temporary response, but a dynamic, integrated, and multilevel system encompassing the various dimensions of human existence and social organization. By linking faith, awareness, action, and social institutions, this system provides a comprehensive foundation for preserving the identity, cohesion, and stability of the Islamic ummah in the face of cognitive warfare. It may therefore serve as a strategic framework for cultural and social policymaking in Islamic societies.

Keywords: Social resilience; Cognitive warfare; Qur'anic strategy; Holy Qur'an; Social Stability

راهبردهای قرآنی تاب‌آوری اجتماعی در مواجهه با جنگ شناختی دشمن

سید معصوم حسینی^۱، فاطمه هدایتی^۲

۱. استادیار، گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. m.hosseni@quran.ac.ir
۲. سطح ۴، تفسیر تطبیقی، مدرسه تخصصی حضرت خدیجه (س)، بابل، ایران. (نویسنده مسئول) fadak1835@yahoo.com

پژوهشی



چکیده

این پژوهش به تبیین راهبردهای قرآنی مؤثر بر تقویت تاب‌آوری اجتماعی در مواجهه با جنگ شناختی دشمن می‌پردازد. مسئله اصلی تحقیق آن است که در شرایط پیچیده امروز، که دشمنان با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای و عملیات روانی در پی تغییر ادراک، باور و رفتار جوامع اسلامی هستند، چه الگوهایی از متن قرآن کریم می‌تواند به عنوان مبنایی برای تقویت پایداری و انسجام اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که جنگ شناختی، برخلاف جنگ‌های سخت، ذهن و هویت جمعی را هدف قرار داده و مقابله با آن نیازمند راهبردهایی عمیق، پایدار و مبتنی بر منابع اصیل دینی است. پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی و تحلیل آیات مرتبط با مفاهیمی همچون مقاومت، صبر، بصیرت، آگاهی، وحدت و انسجام اجتماعی پرداخته است. در این راستا، ابتدا مفاهیم کلیدی مرتبط با تاب‌آوری اجتماعی و جنگ شناختی تبیین شده، سپس آیات منتخب بر اساس این مفاهیم دسته‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. برای افزایش دقت و اعتبار تحلیل‌ها، از منابع تفسیری معتبر شیعه و اهل سنت، از جمله المیزان، تسنیم، فی ظلال القرآن و مجمع‌البیان و سایر کتب تفسیری و برخی منابع علمی مرتبط با موضوع بهره گرفته شده است تا برداشت‌ها از آیات، مبتنی بر فهم عمیق و روشمند از متن قرآن باشد. نتایج نشان می‌دهد که قرآن کریم مجموعه‌ای از راهبردهای هماهنگ و چندلایه را برای مواجهه با تهدیدهای شناختی ارائه می‌دهد. این راهبردها نه تنها به تقویت فرد در برابر فشارهای روانی و تبلیغاتی کمک می‌کنند، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای مقاوم، آگاه و منسجم نیز هستند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که این راهبردها را می‌توان در چهار سطح اصلی دسته‌بندی کرد: سطح روانی-عاطفی، سطح شناختی، سطح رفتاری و سطح نهادی-اجتماعی. در سطح روانی-عاطفی، قرآن با تأکید بر مفاهیمی همچون صبر، توکل، امید به نصرت الهی و آرامش قلبی، به تقویت ثبات درونی افراد می‌پردازد و

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

◆ **استناد به این مقاله:** حسینی، سید معصوم؛ هدایتی، فاطمه (۱۴۰۵): ((راهبردهای قرآنی تاب‌آوری اجتماعی در مواجهه با جنگ شناختی دشمن))، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۱(۲)، ۶۷-۳۶. [10.22034/arq.2026.247832](https://doi.org/10.22034/arq.2026.247832)

آنان را در برابر اضطراب‌ها و القائات منفی دشمن مقاوم می‌سازد. در سطح شناختی، بر بصیرت، تفکر، تدبیر در آیات الهی و پرهیز از پیروی کورکورانه تأکید شده است که این امر موجب افزایش قدرت تشخیص و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریف‌ها و شبهات می‌شود. در سطح رفتاری، قرآن با ارائه الگوهای عملی از مقاومت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، زمینه‌کنش فعال و مسئولانه افراد در جامعه را فراهم می‌آورد. در نهایت، در سطح نهادی-اجتماعی، بر وحدت، همبستگی، ولایت‌پذیری و پرهیز از تفرقه تأکید شده است که این عناصر نقش اساسی در حفظ انسجام اجتماعی و خنثی‌سازی راهبردهای تفرقه‌افکنانه دشمن دارند. در مجموع، این الگو نشان می‌دهد که تاب‌آوری اجتماعی در اندیشه قرآنی، صرفاً یک واکنش فردی و مقطعی نیست، بلکه نظامی چندسطحی، پویا و هماهنگ است که ابعاد مختلف وجودی انسان و ساختارهای اجتماعی را در بر می‌گیرد. این نظام با پیوند میان ایمان، آگاهی، عمل و ساختارهای اجتماعی، بستری جامع برای حفظ هویت، انسجام و پایداری امت اسلامی در برابر جنگ شناختی فراهم می‌سازد و می‌تواند به عنوان چارچوبی راهبردی برای سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری اجتماعی، جنگ شناختی، راهبرد، قرآن کریم، پایداری اجتماعی.

۱. بیان مسئله

در عصر حاضر، صحنه نبرد تنها به میدان‌های رزم محدود نمی‌شود، بلکه بخش عمده‌ای از آن در عرصه ذهن و ادراک انسان جریان دارد. پدیده جنگ شناختی با هدف دگرگون‌سازی باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری جامعه، در پی تزلزل انسجام اجتماعی و تضعیف سرمایه معنوی ملت‌هاست. در این وضعیت، جوامع برای حفظ ثبات و بازیابی توان خویش به ظرفیتی درونی و جمعی نیازمندند که از آن به تاب‌آوری اجتماعی یاد می‌شود (عراقی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۴۷-۱۵۰). جامعه اسلامی امروز در معرض حمله‌های گسترده رسانه‌ای، تولید شایعه، تحریف واقعیت‌ها و تخریب اعتماد عمومی قرار دارد. این حملات شناختی که گاه با ظاهری فرهنگی و اطلاعاتی عرضه می‌شوند، در حقیقت با هدف تضعیف ایمان، هویت دینی و انسجام اجتماعی طراحی شده‌اند. در چنین شرایطی، فقدان الگویی منسجم، بومی و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی برای مواجهه نظام‌مند با این تهدید، سبب شده است که بخش قابل توجهی از واکنش‌های اجتماعی، ماهیتی انفعالی، احساسی و مقطعی پیدا کند؛ در حالی که مقابله مؤثر با جنگ شناختی مستلزم شکل‌گیری سازوکارهایی پایدار برای ارتقای بصیرت، تقویت قدرت تحلیل، افزایش اعتماد اجتماعی و حفظ انسجام جامعه است.

از منظر قرآن کریم، جامعه مؤمنان باید بتواند با اتکا بر اصول معرفتی، تربیتی و اجتماعی اسلام، الگویی فعال و ایجابی برای پایداری در برابر تهاجم شناختی ارائه کند. چنین جامعه‌ای به جای واکنش منفعلانه، با بهره‌گیری از راهبردهای قرآنی، آگاهی، امید، بصیرت، اعتماد و همبستگی اجتماعی را تقویت کرده و زمینه شکل‌گیری سازوکارهای عقلانی برای تشخیص، تحلیل و پاسخ‌گویی به شبهات و عملیات شناختی دشمن را فراهم می‌آورد. با وجود این، هنوز روشن نیست که قرآن کریم این راهبردها را در چه ابعاد و سطوحی از حیات فردی و اجتماعی تبیین کرده و چگونه می‌توان آنها را به الگویی جامع برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی در برابر جنگ شناختی تبدیل کرد.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که قرآن کریم چه راهبردهایی

برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی در برابر جنگ شناختی دشمن ارائه می‌دهد. در پرتو این مسئله، دو پرسش اساسی نیز مطرح می‌شود: نخست، آموزه‌های قرآنی در ساحت روانی و شناختی چگونه به شکل‌گیری پایداری، بصیرت و مقاومت اجتماعی کمک می‌کنند؛ و دوم، بر پایه آیات قرآن، چه کنش‌ها، ساختارها و سازوکارهای رفتاری و نهادی می‌توانند الگوی مقاومت جامعه اسلامی در برابر جنگ شناختی را شکل دهند.

پژوهش حاضر از دو جهت دارای اهمیت است. از یک سو، با پیوند میان آموزه‌های قرآنی و ادبیات معاصر تاب‌آوری اجتماعی و جنگ شناختی، چارچوبی تحلیلی و بومی برای فهم این پدیده ارائه می‌دهد و زمینه گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه مطالعات قرآنی، امنیت فرهنگی و علوم اجتماعی را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، یافته‌های آن می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های تربیتی، تولید محتوای رسانه‌ای، ارتقای سواد شناختی و سیاست‌گذاری فرهنگی در نهادهای آموزشی، فرهنگی و حاکمیتی باشد و از این رهگذر، ظرفیت جامعه اسلامی را برای مقابله فعال، آگاهانه و پایدار با تهدیدهای شناختی افزایش دهد.

۲. روش پژوهش

این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. منابع اصلی شامل آیات مرتبط با پایداری، ایمان، بصیرت، امر به تحقیق و امر به وحدت در قرآن و تفاسیر معتبر کلاسیک و معاصر است. همچنین ادبیات نظری مربوط به تاب‌آوری اجتماعی، جنگ شناختی و نظریه‌های ارتباطی بر مبنای پژوهش‌های بین‌رشته‌ای بررسی و با آموزه‌های قرآنی تلفیق شده‌اند.

۳. پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش در سه محور اصلی قابل بررسی است: تاب‌آوری اجتماعی، آموزه‌های قرآنی و جنگ شناختی. در هر یک از این حوزه‌ها، پژوهش‌هایی انجام شده، اما بررسی تطبیقی و تلفیقی آن‌ها، ضعف‌ها و خلأهایی را نشان

می‌دهد که پژوهش حاضر درصدد جبران آن است.

در حوزه تاب‌آوری اجتماعی در پرتو دین‌داری، پژوهش‌هایی مانند ایازی (۱۴۰۲) نشان داده‌اند که آموزه‌های قرآنی نظیر صبر و استقامت، می‌توانند به‌عنوان منابع روانی و اجتماعی در تقویت روحیه جمعی عمل کنند. همچنین پژوهش چمی و زارع (۱۴۰۰) با تمرکز بر خانواده، چهار مؤلفه اصلی اعتماد، انسجام، حمایت و امید را استخراج کرده‌اند که قابلیت تعمیم به سطح اجتماعی نیز دارد.

در بخش تحلیل آموزه‌های قرآنی در مواجهه با بحران‌ها، آثاری مانند نورائی (۱۳۹۶) مفهوم «تواصی به صبر» را به‌مثابه راهبرد اجتماعی بررسی کرده‌اند. در همین زمینه، قادری و صادق‌نیا (۱۳۹۷) به نقش ایمان و ذکر در کاهش فشار روانی پرداخته‌اند، اما سطح تحلیل آن‌ها فردی یا نهایتاً گروهی است.

در محور مطالعات مرتبط با جنگ شناختی و رسانه‌ای، کارهایی نظیر حاجی‌زاده (۱۴۰۱) و عراقی (۱۴۰۱) به تحلیل عملیات روانی و تغییر نظام ادراکی پرداخته‌اند. هرچند که این پژوهش‌ها به تهدیدات شناختی پرداخته‌اند، اما از ظرفیت قرآن برای مقابله با این جنگ کمتر سخن گفته‌اند یا فقط به اشاره‌ای گذرا بسنده کرده‌اند.

بررسی کلی این آثار مشخص می‌کند که تاکنون مطالعه‌ای که از منظر تلفیق مفاهیم قرآنی و نظریه‌های تاب‌آوری اجتماعی، الگویی منسجم برای مقابله با جنگ شناختی ارائه دهد، وجود نداشته یا بسیار محدود بوده است. به همین دلیل، پژوهش حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای، در پی ارائه مدلی مفهومی برای راهبردهای قرآنی در عرصه پدافند شناختی اجتماعی است.

در تحلیل پدیده‌های پیچیده‌ای مانند تاب‌آوری اجتماعی در برابر جنگ شناختی، دستیابی به چارچوبی نظری منسجم، شرط اصلی تولید فهم علمی است. این پژوهش در پی آن است که با تکیه بر مفاهیم قرآنی از یک‌سو و نظریه‌های علمی روز از سوی دیگر، الگویی نظری برای تبیین رابطه دین و مقاومت اجتماعی در برابر تهدیدات ادراکی و شناختی ارائه کند. در این راستا، ابتدا مفاهیم کلیدی

پژوهش، شامل تاب‌آوری اجتماعی و جنگ شناختی، به‌اختصار تبیین می‌گردد؛ سپس راهبردهای قرآنی مرتبط با پایداری اجتماعی از منظر تفسیری و معرفتی بررسی شد.

۴. مفهوم‌شناسی

تاب‌آوری اجتماعی: تاب‌آوری اجتماعی به ظرفیت یک نظام اجتماعی برای حفظ کارکردهای حیاتی، سازگاری با فشارها و تهدیدها و بازسازی روابط و ساختارهای خود پس از بحران‌ها گفته می‌شود. این مفهوم ناظر به توانایی جامعه در بازیابی اعتماد، همبستگی و نظم جمعی در شرایط تهدید و ناپایداری است. در این پژوهش، تاب‌آوری اجتماعی بر اساس آموزه‌های قرآنی، مفهومی چندبعدی تلقی می‌شود که شامل چهار سطح روانی عاطفی، شناختی، رفتاری و نهادی است (Norris et al. ۲۰۰۸: ۱۳۰).

تاب‌آوری اجتماعی مفهومی میان‌رشته‌ای است که ابتدا در مطالعات مدیریت بحران و روان‌شناسی اجتماعی مطرح شد و سپس به حوزه‌های جامعه‌شناسی، امنیت نرم و فرهنگ دینی گسترش یافت. این واژه، ظرفیت جامعه برای تحمل، انطباق، بازسازی و تداوم عملکرد در برابر فشارهای تهدیدکننده داخلی و خارجی را توصیف می‌کند (Adger, ۲۰۰۰: ۳۴۹).

از منظر قرآنی، این مفهوم با کلیدواژه‌هایی چون صبر، ثبات، رجوع به خدا، مشورت و حفظ وحدت شناخته می‌شود. در این دیدگاه، تاب‌آوری اجتماعی نه‌فقط جنبه روانی، بلکه ریشه‌ای معرفتی و ایمانی دارد که جامعه را به‌سوی توازن و تعالی هدایت می‌کند. امام علی (ع) در خطبه ۱۹۲ این جنبه معرفتی را «عروة الوثقی» (دستگیره محکم) می‌خوانند که جامعه را از فروپاشی در بحران‌ها حفظ می‌کند.

مدل نوریس و همکاران (۲۰۰۸) تاب‌آوری اجتماعی را شامل چهار مؤلفه می‌داند: سرمایه اجتماعی: پیوندهای انسجام‌بخش، اعتماد متقابل و شبکه‌های حمایت‌گر؛ سرمایه فرهنگی: باورها، هنجارهای مشترک و ارزش‌های دینی یا سنتی؛

زیرساخت‌های نهادی: نهادهای دینی، فرهنگی، رسانه‌ای، آموزشی؛ (Norris et al. ۱۴۱: ۲۰۰۸-۱۳۶)

سازوکارهای مقابله‌ای: مهارت‌های شناختی، معنوی، رفتاری و تحلیلی در سطح فرد و جمع.

جنگ شناختی: جنگ شناختی شکلی پیچیده از درگیری است که در آن «ذهن انسان» نه فقط ابزار، بلکه میدان نبرد اصلی است. این جنگ نوعی نبرد نرم و پیچیده به شمار می‌رود که هدف آن تسلط بر ذهن و فرایندهای تصمیم‌سازی انسان است. جنگ شناختی از طریق روایت‌سازی، تحریف اطلاعات، عملیات روانی، دست‌کاری هیجانات و القای تردید در باورهای بنیادین جامعه صورت می‌گیرد (Du Cluzel, ۲۰۲۰: ۲۸-۲۰). در این مقاله، جنگ شناختی به معنای تلاش نظام‌مند دشمن برای تغییر ادراک جمعی، تضعیف اعتماد اجتماعی و فروپاشی انسجام امت اسلامی در فضای رسانه‌ای و ارتباطی تعریف می‌شود. هدف نهایی جنگ شناختی آن است که فرد هدف، آن‌گونه بیندیشد که دشمن می‌خواهد، بی‌آنکه از تغییر در درک و رفتار خود، آگاه باشد (حاجی زاده، ۱۴۰۱: ۱۱۰). در ادبیات فارسی، جنگ شناختی غالباً در پیوند با مفاهیمی مانند جنگ نرم، عملیات روانی، عملیات ادراکی و تحریف شناختی تبیین شده است، هرچند این مفاهیم از نظر مفهومی کاملاً مترادف نیستند (عراقی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۴۵-۱۴۷). اما آنچه آن را متمایز می‌سازد، تمرکز بر زیرساخت‌های تصمیم‌سازی و تحلیل جمعی است. در نهج البلاغه این ویژگی با عبارت «هدم القرارات» (ویرانی تصمیم‌ها) در خطبه ۹۳ توصیف شده است.

از منظر قرآن، بسیاری از ترفندهای دشمنان انبیا - از جمله تزئین باطل، سحر، افک، افتراء، اشاعه اکاذیب، قلب حقایق - با ویژگی‌های جنگ شناختی امروز شباهت دارند (نحل: ۲۶؛ توبه: ۶۵؛ انعام: ۱۰۸؛ قلم: ۵۱). امام علی (ع) در خطبه ۱۹۱ این روش‌ها را «مکائد الشیطان» (نیرنگ‌های شیطانی) می‌خواند که با زیور آرای باطل، حق را می‌پوشانند. در واقع، قرآن نوعی «تحلیل‌گر تمدنی فریب ادراکی» است که شیوه‌های تسخیر ذهن انسان را افشا می‌کند.

جنگ شناختی، به عنوان گونه‌ای پیشرفته از نبرد نرم، مجموعه‌ای از اقدامات برای تغییر درک، تحلیل و تصمیم‌گیری مخاطب است که از طریق داده‌های تحریف‌شده، روایت‌های کاذب، عملیات روانی و تسلط رسانه‌ای پیگیری می‌شود. امام علی (ع) در حکمت ۳۶۴ این پدیده را «إشاعة الريب» (گسترش تردیدها) می‌نامند که اساس جنگ شناختی معاصر است. هدف اصلی آن، تضعیف انسجام فکری، القای ناکارآمدی، بی‌اعتمادی عمومی و تسلیم نرم در برابر اراده دشمن است (عراقی، ۱۴۰۱: ۱۴۷).

راهبرد: تعیین اهداف بلندمدت و اساسی یک سازمان و اتخاذ مسیرهای عملیاتی و تخصیص منابع برای دستیابی به این اهداف است. راهبرد به عنوان تعریف عملیاتی، به معنای الگوی منسجم و مرحله‌مند قرآن کریم برای هدایت جامعه در مسیر پایداری و مقابله با تهدیدهای شناختی به کار می‌رود. راهبرد قرآنی از جنس دستور اخلاقی صرف نیست، بلکه شامل جهت‌گیری‌های معرفتی، رفتاری و نهادی است که هدف آن ایجاد ثبات روانی، روشنگری فکری و انسجام اجتماعی در برابر فتنه‌های ادراکی و رسانه‌ای است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴، ۲۷).

۵. آیات راهبردی قرآن در مواجهه با جنگ شناختی

در این بخش، به تحلیل و بررسی آیات قرآن پرداخته می‌شود که راهبردهای اساسی تاب‌آوری اجتماعی را در مقابله با جنگ شناختی دشمن شکل می‌دهند. با توجه به ساختار چهارسطحی که قرآن برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی در نظر گرفته، این آیات به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شوند: سطح روانی - عاطفی، شناختی، رفتاری و نهادی. این تقسیم‌بندی به تحلیل دقیق‌تری از آموزه‌های قرآنی می‌انجامد که می‌تواند به جوامع امروز کمک کند تا در برابر جنگ شناختی و تهدیدات رسانه‌ای و روانی دشمن، تاب‌آورتر شوند.

قرآن کریم با نگاه تمدن‌ساز خود، مجموعه‌ای از آموزه‌های معرفتی، اخلاقی و رفتاری را ارائه می‌دهد که می‌تواند به عنوان «راهبردهای معنوی و فرهنگی» در برابر تهدیدات پیچیده مانند جنگ شناختی ایفای نقش کند. در این بخش،

راهبردهایی چون صبر، توکل، بصیرت، انسجام، مشورت و جهاد تبیین به‌عنوان مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی از منظر قرآنی تحلیل می‌شوند. این مفاهیم صرفاً توصیه‌های اخلاقی نیستند، بلکه مبانی تولید پایداری جمعی در شرایط جنگ روانی، تحریف ادراکی و بی‌ثبات‌سازی نرم به شمار می‌آیند.

الف) صبر: پایدارسازی روانی جامعه در بحران

در آیاتی چون بقره: ۱۵۵ و زمر: ۱۰، صبر نه تنها به‌عنوان فضیلت فردی، بلکه به‌مثابه یک عامل حیاتی برای عبور جمعی از بحران‌ها مطرح می‌شود. خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ... وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵)؛ «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر: ۱۰). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، صبر را نشانه‌ای از «ثبات عقلانی و اراده‌ای» جامعه مؤمنین در برابر آزمون‌های بزرگ می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲: ۲۷۰).

ب) توکل: بازسازی آرامش جمعی و اعتماد ملی

توکل بر خدا، در آیات متعددی چون طلاق و آل عمران: ۱۵۹، «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛ به‌عنوان راهبردی برای فائق آمدن بر نگرانی‌های پیچیده و اضطراب‌های جمعی معرفی شده است. خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳) به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، توکل قدرتی است که «فرد را از وابستگی روانی به شرایط و قدرت‌های غیر الهی می‌رهاند و جامعه را از تزلزل نجات می‌دهد» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۷: ۳۸۴).

ج) بصیرت: مقاوم‌سازی شناختی در برابر فریب رسانه‌ای

در سوره انفال آیه ۲۹ با تعبیر «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَّكُمْ فُرْقَانًا» بر توان تمایز بین حق و باطل در جامعه تقوایی تأکید می‌کند. علامه طباطبایی، «فرقان» را نوعی

قدرت تحلیلی و تشخیص درست در شرایط فریب ادراکی و اختلاط حقیقت و دروغ معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۹: ۲۱۵).

د) انسجام و وحدت اجتماعی: راهبرد دفاع جمعی

خداوند در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران فرمان می‌دهد: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» مفسرانی مانند آیت‌الله مکارم شیرازی، «حبل‌الله» را هم تفسیر به قرآن کرده‌اند و هم به «ولایت» و تأکید دارند که تنها انسجام اعتقادی و معرفتی است که می‌تواند جامعه را از فروپاشی در برابر فشار دشمن حفظ کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۳: ۹۶).

ه) مشورت و مشارکت اجتماعی

در آیه ۳۸ شوری، مؤمنان به‌عنوان کسانی معرفی شده‌اند که «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ». این مشورت، یک عنصر حکومتی یا فردی صرف نیست، بلکه سازوکار تاب‌آوری اجتماعی در برابر تصمیم‌گیری‌های گسسته، اقتدارگرایانه یا القایی معرفی شده است. علامه طباطبایی در این باره بیان می‌کنند: «شورا ساختار جمعی تصمیم‌سازی است که مانع از تفرق، افراط و ضعف اراده عمومی می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸: ۴۰۳).

۶. جهاد تبیین: تولید روایت و اقناع افکار عمومی

در آیه ۱۲۵ نحل، آمده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» این آیه، نوعی «راهبرد تبیینی چندلایه» ارائه می‌دهد که بر عقلانیت، اخلاق و مناظره منطقی تأکید دارد. آیت‌الله جوادی آملی با تحلیل این آیه، از آن به‌عنوان «الگوی گفت‌وگوی تمدنی در فضای دروغ‌پردازی و غوغا سالاری» یاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۱۲: ۲۵۵).

در قرآن کریم، پایداری اجتماعی تنها یک واکنش منفعلانه در برابر بحران‌ها نیست، بلکه نوعی سازمان‌یافتگی معنوی، روانی و نهادی معرفی می‌شود. مفاهیم قرآنی‌ای چون صبر، توکل، بصیرت، انسجام، مشورت و جهاد تبیین،

ظرفیت بالایی در ارائه راهبردهای تمدنی برای مقابله با تهدیدات شناختی دارند.

جدول ۱. جدول تلفیقی راهبردهای قرآنی تاب‌آوری اجتماعی

راهبرد قرآنی	آیه نمونه	کارکرد اجتماعی	منبع تفسیری
صبر	بقره: ۱۵۵، زمر: ۱۰	پایداری روانی در برابر اضطراب اجتماعی	طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲: ۲۷۰
توکل	طلاق: ۳، آل عمران: ۱۵۹	تقویت اعتماد عمومی و آرامش ملی	جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۷: ۳۸۴
بصیرت	انفال: ۲۹	افزایش قدرت تحلیل، تشخیص و مقابله با فریب ادراکی	طباطبایی، ۱۳۷۴، ۹: ۲۱۵
انسجام	آل عمران: ۱۰۳	وحدت و بازسازی سرمایه اجتماعی	مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۳: ۹۶
مشورت	شوری: ۳۸	مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی اجتماعی	طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸: ۴۰۳
جهاد تبیین	نحل: ۱۲۵	تولید روایت صحیح، افناع افکار عمومی، مقابله رسانه‌ای	جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۱۲: ۲۵۵

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، واژه «مربطه» را نه صرفاً حضور در مرزهای جغرافیایی، بلکه حضور دائم در مرزهای اعتقادی و فرهنگی معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۷: ۵۰۲). علامه طباطبایی نیز در تفسیر «بصیرت» در آیه ۲۹ انفال، آن را به مثابه «فرقان» یا قدرت تمیز حق از باطل در شرایط اغتشاش ادراکی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۹: ۲۱۵).

بر اساس آنچه گذشت، چارچوب مفهومی این پژوهش ترکیبی است از مدل نظری نوریس در تاب‌آوری اجتماعی و مفاهیم بنیادین قرآن کریم. این چارچوب در چهار سطح عمل می‌کند:

جدول ۲. سطوح تاب‌آوری اجتماعی در مقایسه با قرآن کریم

سطح تاب‌آوری	محتوای قرآنی	کاربرد در مواجهه با جنگ شناختی
شناختی	بصیرت، تبیین، فرقان	مقابله با روایت‌های دروغین و تحلیل نادرست
روانی - عاطفی	صبر، توکل، ذکر	کاهش اضطراب و تقویت امید در جامعه
رفتاری	انسجام، مشورت	مشارکت، همبستگی و اقدام جمعی هماهنگ
نهادی	جهاد تبیین، رابطه	فعال‌سازی نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای دینی

این چارچوب تلاش می‌کند تا نشان دهد که آموزه‌های قرآنی، نه تنها در سطح تربیت فردی، بلکه در ساختار فرهنگی و نهادی جامعه نیز می‌توانند مبنای مقابله فعال با جنگ شناختی باشند.

۶. الگوی قرآنی تاب‌آوری اجتماعی در برابر جنگ شناختی

قرآن کریم صرفاً به بیان توصیه‌های پراکنده بسنده نکرده، بلکه مجموعه‌ای منسجم از راهبردها را برای شکل‌دهی جامعه‌ای مقاوم و پیش‌رونده در برابر تهدیدات ارائه داده است. بررسی آیات و تفاسیر معتبر نشان می‌دهد که این راهبردها در قالب الگویی چهار سطحی - شامل ابعاد روانی - عاطفی، شناختی، رفتاری و نهادی - قابل ترسیم هستند؛ سطوحی که هر یک بر بنیان آموزه‌های وحیانی استوار بوده و کارکرد آن‌ها در مقابله با جنگ شناختی دشمن، کاملاً مشهود است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۵۵).

تاب‌آوری اجتماعی، برخلاف برداشت‌های محدود، تنها به واکنش‌های فردی در برابر بحران خلاصه نمی‌شود، بلکه یک «نظام وارده چندبعدی» است که قدرت بقا، بازسازی و پیشرفت جامعه را حتی در شرایط تهدید و فشار فراهم می‌کند. در ادبیات علوم اجتماعی، این مفهوم به توانایی نظام اجتماعی برای حفظ کارکردهای اساسی، سازگاری با شرایط متغیر و بازیابی ظرفیت‌های ازدست‌رفته اشاره دارد (Folke, ۲۰۰۶: ۴۲). از منظر قرآنی، این ظرفیت‌ها بر پایه ایمان، صبر،

بصیرت، همبستگی و عمل صالح شکل می‌گیرد و از یکدیگر جداشدنی نیستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۲۱۷).

یافته‌های بخش‌های پیشین پژوهش نشان داد که هر یک از راهبردهای قرآنی به‌تنهایی می‌تواند به انسجام و پایداری جامعه کمک کند؛ اما اثرگذاری کامل آن‌ها زمانی تحقق می‌یابد که در قالب الگویی منسجم و ارتباط یافته سازمان‌دهی شوند. این امر به‌ویژه در مواجهه با جنگ شناختی دشمن ضرورت بیشتری می‌یابد؛ زیرا چنین نبردی صرفاً با پاسخ‌های مقطعی مهار نمی‌شود، بلکه مستلزم سیستمی هماهنگ از اقدامات فردی، جمعی و نهادی است که به‌صورت لایه‌ای و مکمل عمل کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۱۲: ۱۱۲).

قرآن کریم با توجه به ماهیت جامع خود، مجموعه‌ای از این لایه‌ها را در قالب آموزه‌های هدایت‌گر ارائه می‌دهد و از رهگذر آن، می‌توان «نقشه راه پدافند شناختی» را برای جامعه اسلامی طراحی کرد؛ نقشه‌ای که از تثبیت روانی فردی آغاز می‌شود، به ارتقای ادراک و رفتار اجتماعی می‌انجامد و درنهایت به ساختارهای نهادی و تمدنی پایدار ختم می‌گردد.

الف) سطح اول: روانی - عاطفی

در ساختار قرآنی تاب‌آوری اجتماعی، نخستین لایه‌ای که باید تحکیم شود، بعد روانی و عاطفی جامعه است. جنگ شناختی، پیش از هر چیز، با ایجاد اضطراب، ترس و یأس، انسجام روانی جامعه را هدف می‌گیرد. تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که فروپاشی روحی پیش‌زمینه فروپاشی عملی است؛ از همین رو قرآن کریم، پیش از پرداختن به هر اقدام سازمانی یا رفتاری، به تثبیت آرامش درونی و تقویت روحیه جمعی می‌پردازد. آموزه‌هایی مانند صبر، توکل و ذکر الهی، در منابع تفسیری معتبر به‌عنوان ستون‌های اصلی این آرامش معرفی شده‌اند. آیه پایانی سوره آل عمران «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) به تعبیر علامه طباطبایی سه سطح از پایداری را در کنار هم آورده است: پایداری فردی، رقابت در صبر جمعی و مرابطه یا مراقبت

مستمر از مرزهای اعتقادی و فرهنگی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۵۷). طبرسی نیز در مجمع‌البیان این آیه را ناظر به ضرورت حفظ انسجام روحی امت در برابر فشار روانی دشمن می‌داند و صبر را شرط اساسی رهایی از تسلط فرهنگی بیگانه معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۲۲۱).

در نهج‌البلاغه نیز این سطح با تعبیر «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ» (خطبه ۱۹۲) مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی (ع) در این عبارت با تشبیه صبر به «سر» در بدن انسان، نشان می‌دهند که ۱. صبر پایه‌ای‌ترین عنصر تاب‌آوری اجتماعی است (همان‌گونه که سر برای بدن حیاتی است). ۲. جامعه‌ای که صبر جمعی نداشته باشد، مانند بدنی بدون سر کارایی خود را از دست می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۵: ۸۷).

توکل نیز در این الگو جایگاهی کلیدی دارد. آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳)، به گفته فیض کاشانی در تفسیر صافی، نه به معنای رها کردن تلاش، بلکه به معنای اتکای قلبی به خداوند همراه با به‌کارگیری همه توانمندی‌های مشروع است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۵: ۲۷۸). چنین نگرشی موجب می‌شود فرد و جامعه در مواجهه با تهدیدات شناختی، دچار تصمیم‌گیری‌های عجولانه ناشی از ترس نشوند و با آرامش، مسیر درست را برگزینند.

ذکر و یاد خداوند نیز، طبق آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)، نقش درمان‌گر اضطراب‌های جمعی را دارد. زمخشری در الکشاف یاد خدا را سرچشمه اطمینان قلبی می‌داند که آثار آن به روابط اجتماعی و ثبات روانی جامعه سرایت می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۴۹۵). این تحلیل با یافته‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز همخوانی دارد که نشان می‌دهد معنویت و باور به یک قدرت برتر، از مهم‌ترین منابع درونی برای مقابله با فشار روانی و حفظ امید جمعی است (Seligman, ۲۰۱۸: ۱۱۲).

از منظر تاریخی، این سه مؤلفه روانی - صبر، توکل و ذکر در صدر اسلام، به‌ویژه در شرایط سخت شعب ابی‌طالب و جنگ احزاب، کارکردی حیاتی داشتند. در جنگ احزاب، دشمنان با بهره‌گیری از عملیات روانی و ایجاد رعب، سعی در

فروپاشی روحیه مسلمانان داشتند؛ اما آیه «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ...» (احزاب: ۲۲) نشان می‌دهد که مؤمنان، برخلاف انتظار دشمن، با یادآوری وعده الهی نه تنها دچار هراس نشدند بلکه بر ایمان و استقامتشان افزوده شد. این دقیقاً همان الگویی است که در جنگ شناختی امروز نیز می‌تواند جامعه را از فروپاشی روانی حفظ کند.

در چارچوب نظریه «حس انسجام» آرون آتونوفسکی، سه عامل فهم‌پذیری، مدیریت‌پذیری و معناداری، اساس مقاومت روانی در برابر فشارها را تشکیل می‌دهد. این سه عامل، در آموزه‌های قرآنی یادشده به‌روشنی قابل‌شناسایی است: صبر، توان‌سازگاری و تداوم مسیر را تضمین می‌کند؛ توکل، احساس مدیریت‌پذیری شرایط را به جامعه القا می‌نماید؛ و ذکر، معنای الهی و هدفمندی را به زندگی جمعی می‌بخشد. به‌این‌ترتیب، سطح روانی - عاطفی در الگوی قرآنی تاب‌آوری اجتماعی، نقش «ستون فقرات» را دارد که اگر سست شود، سایر سطوح نیز در برابر جنگ شناختی تاب نخواهند آورد (همان).

ب) سطح دوم: شناختی - ادراکی

اگر بعد روانی - عاطفی، ستون فقرات تاب‌آوری اجتماعی باشد، بعد شناختی - ادراکی حکم «مرکز فرماندهی» را دارد. در جنگ شناختی، دشمن با تحریف اطلاعات، وارونه‌سازی واقعیت و تولید «زخرف القول» تلاش می‌کند نظام ادراکی جامعه را مختل سازد. قرآن کریم، با توجه به اهمیت این لایه، راهبردهایی را ارائه می‌کند که هدف آن‌ها افزایش قدرت تمییز، تحلیل و بصیرت جمعی است. درواقع، سلامت شناختی جامعه همانند سیستم ایمنی بدن عمل می‌کند؛ هرچه این سیستم قوی‌تر باشد، شایعات، شبهات و عملیات روانی کمتر بر افکار عمومی اثر می‌گذارد.

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآنی در این حوزه، بصیرت است. آیه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸) به‌روشنی بیان می‌کند که دعوت و حرکت اجتماعی بدون شناخت عمیق، به انحراف کشیده خواهد

شد. علامه طباطبایی در المیزان، بصیرت را نوعی بینایی قلبی می‌داند که در پرتو علم و ایمان شکل می‌گیرد و جلوی فریب خوردن از ظواهر را می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱: ۲۵۹). فیض کاشانی نیز در تفسیر صافی تأکید می‌کند که بصیرت، شرط اصلی پایداری در برابر فتنه‌ها و تبلیغات گمراه کننده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ۳: ۱۴۷).

تفکر نقادانه نیز در آیات متعددی ترویج شده است. قرآن بارها از مخاطبان می‌خواهد که «تدبر» کنند (أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، نساء: ۸۲) و کورکورانه از جمع پیروی ننمایند. در مجمع‌البیان، تدبر به معنای اندیشیدن در پیامدها و نتایج امور معرفی شده و این نگاه، عملاً نوعی «ایمن‌سازی ذهنی» در برابر موج‌های تبلیغاتی به شمار می‌رود (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳: ۲۸۵). زمخشری نیز در الکشاف تصریح می‌کند که تدبر، قدرت تحلیل ساختاری پیام را به انسان می‌دهد و او را از افتادن در دام مغالطات می‌رهاند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۴۹۸).

در حوزه شناختی، قرآن به تشخیص حق از باطل نیز اهمیت ویژه می‌دهد. آیه «لِيُؤْتِكَ مِنْ هَلَكٍ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيُحْيِيَ مَنْ حَيٍّ عَنْ بَيِّنَةٍ» (انفال: ۴۲) با فرمول عملیاتی امام علی (ع) در «اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ» (خطبه ۳۴) تکمیل می‌شود که بر «شناخت حق پیش از شناخت افراد» تأکید دارد. این رویکرد، جامعه را از دام شخصیت‌پرستی در فضای مجازی نجات می‌دهد (جعفری، ۱۳۸۰، ۲: ۱۰۲) و نشان می‌دهد که هر تصمیم و موضع‌گیری باید بر «بینه» یعنی دلیل روشن استوار باشد. این رویکرد با نظریه‌های نوین در علوم شناختی نیز همسوست که بر ضرورت پالایش شناختی برای تصمیم‌گیری‌های صحیح تأکید دارند (Kahneman, ۲۰۱۱: ۲۳۷).

از منظر تاریخی، ماجرای «افک» در سوره نور، نمونه‌ای برجسته از مدیریت بحران شناختی است. در آن ماجرا، شبکه‌ای از شایعه‌پراکنان با هدف تخریب جایگاه پیامبر و همسرش، فضای افکار عمومی مدینه را آلوده کردند. قرآن با نزول آیاتی که مردم را به تحقیق، عدم پیروی از گمان و اقامه شاهد دعوت می‌کرد، عملاً یک «پروتکل مقابله با شایعه» ارائه داد (نور: ۱۱ - ۱۶). قرطبی در

الجامع لأحكام القرآن، این واقعه را نمونه‌ای روشن از ضرورت صیانت ادراکی جامعه در برابر جنگ رسانه‌ای دانسته و تصریح می‌کند که بی‌توجهی به این اصول، جامعه را در برابر تهاجم روانی دشمن بی‌دفاع می‌گذارد (قرطبی، ۱۴۰۵، ق، ۱۲: ۱۷۶).

در پیوند با ادبیات معاصر، نظریه سواد رسانه‌ای^۱ دقیقاً همان نقشی را ایفا می‌کند که قرآن با دعوت به تدبیر، تحقیق و بینّه دنبال می‌کند؛ یعنی ارتقای قدرت تحلیل پیام‌ها، شناخت منبع و تشخیص اهداف پنهان آن‌ها. بدین ترتیب، بعد شناختی - ادراکی در الگوی قرآنی تاب‌آوری اجتماعی، وظیفه دارد جامعه را در برابر تحریف واقعیت و اکسینه‌کند و زمین بازی عملیات شناختی را به سود خود تغییر دهد.

ج) سطح سوم: رفتاری

لایه رفتاری، نقطه اتصال بین ایمان و شناخت از یک سو و عمل اجتماعی از سوی دیگر است. در الگوی قرآنی تاب‌آوری اجتماعی، رفتار مؤمنانه و آگاهانه، تجلی عینی دولایه پیشین (روانی و شناختی) است و بدون آن، تاب‌آوری صرفاً در حد یک مفهوم ذهنی باقی می‌ماند. جنگ شناختی زمانی موفق می‌شود که مردم را به واکنش‌های هیجانی، رفتارهای پراکنده یا انفعال اجتماعی بکشانند. قرآن در این زمینه مجموعه‌ای از راهبردهای رفتاری را برای حفظ انسجام و پایداری اجتماعی پیشنهاد می‌کند.

یکی از مهم‌ترین این راهبردها، امر به معروف و نهی از منکر است. آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴) بر مسئولیت جمعی در ایجاد و حفظ ارزش‌های اجتماعی تأکید دارد. به گفته میر جلال‌الدین کزازی، این فریضه نوعی «مراقبت فعال اجتماعی» است که موجب تقویت سرمایه اجتماعی و مقابله با آسیب‌های روانی و رفتاری دشمن می‌شود (کزازی، ۱۳۹۵: ۲۸۳).

راهبرد دیگر، همبستگی و اتحاد اجتماعی است. آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) پیامد عملی پیوند اجتماعی مستحکم را بازتاب می‌دهد که در تحلیل‌های معاصر جامعه‌شناسی دینی به‌عنوان «سرمایه اجتماعی فراگیر» شناخته می‌شود (لوتان، ۲۰۱۴). طبق نظر نصرالله پژمان فر، این انسجام، سد محکمی در برابر «جنگ روانی» و «تفرقه‌افکنی» دشمن فراهم می‌کند و امکان واکنش‌های هماهنگ و معقول را ایجاد می‌نماید (پژمان فر، ۱۳۹۴: ۱۹۸). در جنگ شناختی معاصر که با ایجاد شکاف نسلی و هویتی همراه است، فرمول امام علی (ع) در «يُدْفَعُ عَنْ حَوْضِهِ» (خطبه ۲۷) «دفاع همگانی از حریم جامعه» الگویی عملیاتی ارائه می‌دهد. این مدل سه‌لایه دارد: (۱) آگاهی‌بخشی، (۲) سازمان‌دهی مردمی، (۳) پاسخ هوشمند به تهدیدات نرم که می‌تواند در شبکه‌های اجتماعی نیز اجرا شود (مطهری، ۱۳۷۵، ۱: ۴۵).

کنترل زبان و پرهیز از شایعه‌پراکنی نیز از ارکان حیاتی این سطح است. آیه «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالْأَسْنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» (نور: ۱۵) تأکید بر ضرورت احتیاط و مسئولیت در گفتار دارد. در تفسیر نمونه، مکارم شیرازی این آیه را هشدار جدی نسبت به «گسترش شایعات و اخبار کذب» می‌داند که می‌تواند «بحران‌های اجتماعی و شناختی» را تشدید کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱۷: ۳۸۷). فخر رازی تأکید می‌کند که این دستور، مانع از انتشار اخبار نادرست و شایعات می‌شود که می‌تواند به بحران‌های شناختی و اجتماعی دامن بزند (فخر رازی، ۱۲، ۱۴۲۰: ۱۸۵).

نمونه عملی این رفتار در صدر اسلام، صبر و استراتژی پیامبر (ص) در ماجرای صلح حدیبیه بود که به‌رغم فشارهای روانی، با تصمیم‌گیری عاقلانه و پابندی به منافع جمعی، یک پیروزی استراتژیک حاصل شد. این نمونه نشان می‌دهد رفتار اجتماعی در بحران، واکنشی فردی صرف نیست بلکه بخشی از یک راهبرد کلان مقابله با جنگ شناختی است.

از منظر علوم اجتماعی، این سطح رفتاری معادل «سرمایه اجتماعی فعال» است که بر شبکه‌های اعتماد، هنجارهای مشترک و کنش‌های جمعی متمرکز است.

(Putnam, ۱۹۹۷: ۲۰۰۰) قرآن با راهبردهایی مانند امر به معروف، اعتصام جمعی و کنترل گفتار، به تقویت این سرمایه اجتماعی می‌پردازد تا جامعه در برابر جنگ شناختی دشمن مقاوم و پایدار باقی بماند.

(د) سطح چهارم: نهادی - تمدنی

لایه نهادی - تمدنی، سطح کلان تاب‌آوری اجتماعی را در برابر جنگ شناختی نمایان می‌سازد. در این لایه، تاب‌آوری صرفاً واکنش‌های فردی یا جمعی نیست، بلکه در قالب نهادها، ساختارها و فرهنگ‌های پایدار شکل می‌گیرد که ارزش‌ها، هنجارها و نظام‌های اجتماعی را مستحکم می‌سازد و مقاومت جامعه را در برابر تهدیدات نرم تضمین می‌کند.

قرآن کریم اهمیت نظام‌سازی اجتماعی و نهادی را بارها مورد تأکید قرار داده است. آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸) پایه‌های حکمرانی عادلانه و نظام حقوقی منصفانه را نشان می‌دهد که رکن اساسی نهادی تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۵۰). در مواجهه با جنگ شناختی که از نابرابری‌های اجتماعی به عنوان اهرم فشار استفاده می‌کند، الگوی حکمرانی امام علی (ع) در «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ» (خطبه ۲۱۶) «عدالت به مثابه ترازوی الهی» چهارچوبی جامع ارائه می‌دهد: (۱) شاخص‌گذاری عدالت‌سنجی، (۲) نهادهای بازرسی مردمی، (۳) سیستم پاسخگویی سریع به مطالبات که همگی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نیز منعکس شده‌اند (حکیمی، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

تمدن اسلامی، با تأکید بر حکمت (آل عمران: ۷) و تعلیم (زمر: ۹)، به تولید و ترویج دانش، عقلانیت و بصیرت می‌پردازد و زمینه‌ساز ایجاد نخبگان هوشمند و آگاه برای مدیریت تهدیدات نرم است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۹: ۳۴۷). این نهادهای دینی، سیاسی و آموزشی با تدوین سیاست‌ها و ایجاد هنجارهای اسلامی، چارچوبی مستحکم برای مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن فراهم می‌آورند. به عنوان نمونه، نهادهای کلان جمهوری اسلامی ایران همچون «مجلس شورای اسلامی»

و «مجمع تشخیص مصلحت نظام» نقش تعیین کننده‌ای در سیاست گذاری کلان فرهنگی و اجتماعی دارند (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۲۸).

رسانه‌ها و مراکز آموزشی اسلامی نیز به عنوان ابزار نهادی، در ترویج آگاهی و مقابله با جنگ شناختی بسیار حیاتی‌اند. آیه «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴) اهمیت مداوم دانش‌افزایی و ارتقای فرهنگی را نشان می‌دهد که تحقق آن بدون نهادهای نهادی ممکن نیست (مطهری، همان).

از منظر علوم اجتماعی، این سطح برابر با ساختارهای کلان اجتماعی است که در قالب دولت، نهادهای مدنی، نظام آموزشی و فرهنگی و شبکه‌های رسانه‌ای تعریف می‌شود (Inglehart & Welzel, ۲۰۰۵: ۲۵-۴۹) این ساختارها باید توانایی ایجاد هویت جمعی، انتقال ارزش‌ها و حفظ انسجام اجتماعی را داشته باشند تا تاب‌آوری اجتماعی پایدار شکل گیرد.

یکی از نمونه‌های برجسته تاب‌آوری نهادی - تمدنی در تاریخ معاصر، مقابله نظام جمهوری اسلامی ایران با جنگ شناختی و فرهنگی در جریان فتنه سال ۱۳۸۸ است. در این واقعه، دشمن تلاش داشت با بهره‌گیری از رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ایجاد شکاف‌های سیاسی و اجتماعی، انسجام و ثبات نظام را تضعیف کند؛ اما نهادهای حکومتی و فرهنگی کشور، از طریق بسیج مردمی، سیاست گذاری‌های فرهنگی، تقویت رسانه‌های داخلی و احیای هویت دینی - انقلابی، توانستند جریان جنگ شناختی دشمن را خنثی و جامعه را به ثبات نسبی برسانند. این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت تاب‌آوری است که بدون ساختارها و سیاست‌های کلان امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین تاب‌آوری نهادی - تمدنی نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک، حکمرانی خوب و مدیریت هوشمند تهدیدات نرم است که قرآن و آموزه‌های اسلامی با تأکید بر عدالت، دانش و همبستگی، چارچوب نظری و عملی آن را فراهم کرده‌اند.

جدول ۳. سطوح تاب‌آوری اجتماعی و راهکارهای قرآنی مرتبط با مقابله با جنگ شناختی

سطح تاب‌آوری	ویژگی‌ها و محورهای کلیدی	راهکارهای قرآنی	نمونه عملی / تاریخی
روانی - عاطفی	تقویت صبر، توکل، ذکر؛ آرامش و استقامت درونی	«اصبروا و صابروا و رابطوا» (آل‌عمران: ۲۰۳)؛ «من یتوکل علی الله فهو حسبه» (طلاق: ۳) - «بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد: ۲۸)	مقاومت در جنگ احزاب و شعب ابی‌طالب در برابر فشار روانی دشمن
شناختی - ادراکی	افزایش بصیرت، تفکر نقادانه، تمیز حق از باطل	«ادعوا الی الله علی بصیره» (یوسف: ۱۰۸)؛ «أفلا یتدبرون القرآن» (نساء: ۸۲) «الیه یصعد الکلم الطیب» (فصلت: ۴)	مقابله با شایعه‌پراکنی در ماجرای افک (سوره نور)
رفتاری	امر به معروف و نهی از منکر؛ همبستگی اجتماعی؛ کنترل زبان	«لتکن منکم امه یدعون الی الخیر...» (آل‌عمران: ۱۰۴) «واعتصموا بحبل الله ولا تفرقوا» (آل‌عمران: ۱۰۳) «إذ تلقونه بألسنتکم...» (نور: ۱۵)	صلح حدیبیه؛ رفتار هوشمندانه و صبر پیامبر و یارانش
نهادی - تمدنی	ایجاد ساختارهای مستحکم حکمرانی، نهادهای فرهنگی و آموزشی	«ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات...» (نساء: ۵۸)؛ «وقل رب زدنی علما» (طه: ۱۱۴)	مقابله با جنگ شناختی در فتنه ۱۳۸۸؛ نقش نهادهای حکومتی و رسانه‌ها

تاب‌آوری اجتماعی در مواجهه با جنگ شناختی، مفهومی پیچیده و چندلایه است که نمی‌توان آن را در قالب یک بعد محدود خلاصه کرد. قرآن کریم به‌عنوان منبعی غنی و الهام‌بخش، این تاب‌آوری را در قالب یک نظام منسجم از چهار سطح اساسی ارائه می‌دهد که هرکدام در تعاملی پویا و مستمر، پایه‌های استقامت اجتماعی را می‌سازند.

در سطح نخست، یعنی بعد روانی - عاطفی، ما با عمیق‌ترین لایه وجود انسانی مواجهیم؛ جایی که ریشه‌های تاب‌آوری در آرامش درونی، اعتماد به خدا و تکیه بر صبر استوار می‌شود. این لایه، به‌مثابه ستون فقرات مقاومت جمعی

عمل می‌کند؛ چراکه فروپاشی روانی هر جامعه‌ای، آغازگر زوال ساختارهای اجتماعی و سیاسی آن خواهد بود. آموزه‌های قرآن نظیر «صبر» و «توکل» نه تنها تسکین‌بخش فرد بلکه عامل تقویت همبستگی روحی در اجتماع‌اند. اینجا است که ایمان به حکمت الهی و باور به سرنوشت الهی، جلوی واکنش‌های هیجانی و آسیب‌زا را می‌گیرد و فضایی برای تصمیم‌گیری‌های عقلانی و منطقی فراهم می‌آورد؛ اما تاب‌آوری روانی تنها کافی نیست؛ لایه دوم، یعنی تاب‌آوری شناختی، نقش فرماندهی این نظام را به عهده دارد. در دنیایی که جنگ شناختی با تولید شبهه، تحریف حقایق و وارونه‌سازی واقعیت، ذهن و دل انسان‌ها را هدف گرفته، توانایی تمییز حق از باطل و تحلیل نقادانه پیام‌ها حیاتی است. قرآن، با تأکید بر بصیرت و تدبیر مسیر روشنی برای ارتقای سطح آگاهی و بینش عمومی ترسیم می‌کند. این سطح، از طریق تقویت قدرت استدلال و تفکر نقادانه، جامعه را در برابر تهاجم فکری و روانی مصون می‌سازد و زمینه‌ساز پایداری فکری و فرهنگی می‌شود.

در سطح سوم، تاب‌آوری رفتاری، این باورها و شناخت‌ها به عمل اجتماعی مبدل می‌گردند. رفتارهای فردی و جمعی که مبتنی بر ایمان و آگاهی هستند، مانند امر به معروف و نهی از منکر و کنترل زبان، ستون‌های اصلی حفظ نظم و انسجام اجتماعی‌اند. این رفتارها، به ایجاد سرمایه اجتماعی فعال می‌انجامد؛ شبکه‌ای از روابط و کنش‌های جمعی که به صورت خودجوش و هدفمند، در مقابل هجمه‌های روانی و شناختی دشمن، جامعه را مستحکم نگه می‌دارد. نمونه‌هایی از چنین تاب‌آوری رفتاری را در صدر اسلام، همچون صلح حدیبیه می‌توان دید؛ جایی که پیامبر (ص) و یارانش با هوشمندی، صبر و رفتار حساب‌شده، توانستند نقشه دشمن را نقش بر آب کنند.

اما این تاب‌آوری زمانی پایدار و تأثیرگذار است که در ساختارهای نهادی و تمدنی نیز نهادینه شود. لایه چهارم، لایه نهادی-تمدنی است؛ جایی که اصول عدالت، حکمرانی عقلانی، آموزش مستمر و نهادسازی فرهنگی به میدان می‌آید. این سطح، با ایجاد بسترهای حقوقی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی، تاب‌آوری را

از سطح فردی و جمعی فراتر برده و آن را در قامت یک نظام پایدار و مقتدر به جامعه هدیه می‌دهد. بررسی تجربه‌های تاریخی معاصر، مانند مقابله جمهوری اسلامی ایران با جنگ شناختی در فتنه ۱۳۸۸، گواه روشنی بر اهمیت این لایه است. حکمرانی مبتنی بر عدالت و عقلانیت، همراه با بهره‌گیری از رسانه‌ها و آموزش، توانست آسیب‌های عمیق ناشی از عملیات روانی دشمن را کنترل و جامعه را به سمت ثبات هدایت کند.

تحلیل پژوهش نشان می‌دهد که تاب‌آوری اجتماعی، فرآیندی سیستمی و ترکیبی است که نیازمند تعامل عمیق و هماهنگ بین ابعاد روانی، شناختی، رفتاری و نهادی است. بدون استحکام هر یک از این لایه‌ها، پایداری کل نظام به مخاطره می‌افتد. قرآن کریم با تأکید بر هر یک از این ابعاد و ارائه راهبردهای منسجم، چارچوبی نظری و عملی برای مقابله با تهدیدات نرم و جنگ شناختی فراهم ساخته است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین راهبردهای قرآنی تاب‌آوری اجتماعی در مواجهه با جنگ شناختی دشمن، نشان داد که قرآن کریم با ارائه منظومه‌ای هماهنگ از آموزه‌های معرفتی و رفتاری، الگوی جامعی برای پایداری و استقامت اجتماعی عرضه می‌کند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که راهبردهای قرآنی در چهار سطح روانی - عاطفی، شناختی، رفتاری و نهادی قابل تحلیل‌اند و هر سطح با هدفی خاص به تقویت بنیان‌های تاب‌آوری جامعه اسلامی می‌پردازد. در سطح روانی - عاطفی، آموزه‌هایی چون صبر، امید، توکل و یقین، نیروی درونی جامعه را برای مقابله با اضطراب‌های ناشی از تهاجم شناختی فعال می‌سازد. در سطح شناختی، مفاهیمی مانند تدبّر، بصیرت، تفقّه و یاد خدا، نظام فکری جامعه را از انفعال و فریب روایت‌های تحریف‌شده می‌رهاند. در سطح رفتاری، آموزه‌هایی چون امر به معروف، نهی از منکر و کنترل گفتار، به انضباط اخلاقی و ارتباطی جامعه سامان می‌دهد. در نهایت، در سطح نهادی،

مفاهیمی نظیر شورا، عدالت و جهاد تبیین، ساختارهای جمعی و مدیریتی را در مسیر پایداری و اصلاح اجتماعی هدایت می‌کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تاب‌آوری اجتماعی در نگاه قرآن، نه یک واکنش مقطعی در برابر بحران، بلکه نظامی مستمر و چندلایه برای حفاظت از ایمان، هویت و انسجام امت اسلامی است. این نظام با محوریت ایمان و عقلانیت، به جامعه امکان می‌دهد تا در برابر جنگ شناختی دشمن، ضمن حفظ آرامش و انسجام درونی، مسیر رشد و اصلاح را نیز تداوم بخشد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
* نهج البلاغه.
ایازی، سید علی نقی. (۱۴۰۲). «دین‌داری و تاب‌آوری اجتماعی در آموزه‌های قرآنی». فصلنامه مشکوة، ۷۴. صص ۶۴-۸۷.
پژمانفر، نصرالله. (۱۳۹۴). جنگ روانی و ترفندهای آن. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۳). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
جواد آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء.
جوانی، محمد. (۱۴۰۲). علوم شناختی در جنگ شناختی. تهران: نشر نوآندیشان.
جوانی، محمد. (۱۴۰۲). علوم شناختی و قدرت نرم در الگوی دفاعی انقلاب اسلامی. تهران: نشر صیانت.
حاجی زاده، سیروس. (۱۴۰۱). «تبیین زمینه‌ای، نظری مفهومی و کاربردی جنگ شناختی». دوفصلنامه بازی جنگ. سال پنجم. شماره ۱۰. صص ۱۴۳-۱۰۳.
حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی. (۱۳۶۰). الحیة. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.
طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
عراقی، عبدالله. (۱۴۰۱). مفاهیم نوین جنگ ترکیبی و شناختی. تهران: مؤسسه آینده‌پژوهی راهبردی.
عراقی، عبدالله؛ بیدگلی، محمد؛ رجبی ده‌برزوئی، اصغر. (۱۴۰۱). «واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های قرآن». فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس. دوره ۸. شماره ۴. صص ۱۶۲-۱۴۳.
فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.
قرطبی، محمد بن احمد الأنصاری. (۱۴۰۵ق). الجامع لأحكام القرآن. بیروت: دارالکتب المصریة.
کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۹۵). تفسیر موضوعی قرآن کریم. تهران: انتشارات اساطیر.
لوتان، دیوید. (۲۰۱۴). جامعه‌شناسی دین: سرمایه اجتماعی فراگیر در جامعه دینی. ترجمه حسن محدثی. تهران: نشر نی.
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. ج ۳. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). مجموعه آثار ج ۱. تهران: انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). سیری در نهج البلاغه. تهران: انتشارات صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). تفسیر نمونه. ج ۱۷. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
Folke, Carl. (2006). "Resilience: The emergence of a perspective for social-ecological systems analyses." *Global Environmental Change*, 16, 253-267.
Inglehart, Ronald, & Welzel, Christian. (2005). *Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence*. Cambridge University Press.

- Kahneman, Daniel. (2011). *Thinking, fast and slow*. Farrar, Straus and Giroux.
- Norris, Fran H, Stevens, Susan P, Pfefferbaum, Betty, Wyche, Karen F, & Pfefferbaum, Rose L. (2008). "Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness." *American Journal of Community Psychology*, 41, 127–150.
- Seligman, Martin E. P. (2018). *The hope circuit: A psychologist's journey from helplessness to optimism*. PublicAffairs.

References

The Holy Qur'an

Nahj al-Balāghah

Fakhr al-Rāzī, Muḥammad ibn 'Umar. (1420 AH). Mafātīḥ al-Ghayb. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.

Fayḍ Kāshānī, Mullā Muḥsin. (1415 AH). Tafsīr al-Ṣāfi. Tehran: Maktabat al-Ṣadr.

Folke, Carl. (2006). "Resilience: The Emergence of a Perspective for Social-Ecological Systems Analyses." *Global Environmental Change*, 16, 253–267.

Ḥājizādeh, Sīrūs. (1401 SH.). "Tabyīn-i Zaminehī, Nazarī, Mafhūmī va Kārburdī-yi Jang-i Shinākhtī." *Quarterly Journal of Bāzī-yi Jang*, year 5, no. 10, pp. 103–143.

Ḥakīmī, Muḥammad Ridā; Ḥakīmī, Muḥammad; Ḥakīmī, 'Ali. (1360 SH.). al-Ḥayāt. Qom: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī.

Inglehart, Ronald, & Welzel, Christian. (2005). *Modernization, Cultural Change, And Democracy: The Human Development Sequence*. Cambridge University Press.

'Irāqī, 'Abdullah; Bidgoli, Muḥammad; Rajabī Dihbarzū'ī, Aṣghar. (1401 SH.). "Vākāvī-yi Ahdāf-i Jang-i Shinākhtī-yi Dushman va Rāhkārhā-yi Tāvānī-yi Muqābīleh bā Ān bā Tākīd bar Āmūzeh-hā-yi Qur'ān." *Faslnāmeḥ-yi 'Ilmī-yi Muṭāla'āt-i Difā'-i Muqaddas*, vol. 8, no. 4, pp. 143–162.

'Irāqī, 'Abdullah. (1401 SH.). Mafāhīm-i Novīn-i Jang-i Tarkībī va Shinākhtī. Tehran: Mu'asaseh-yi Āyandehpazhūhī-yi Rāhburdī.

Īyāzī, Sayyid 'Ali Naqī. (1402 SH.). "Dīndārī va Tāvānī-yi Ijtimā'ī dar Āmūzeh-hā-yi Qur'ānī." *Faslnāmeḥ-yi Mishkāṭ*, no. 74, pp. 64–87.

Ja'farī, Muḥammad Taqī. (1363 SH.). *Tarjumeḥ va Tafsīr-i Nahj al-Balāghah*. Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī.

Javadi Amoli, 'Abdullah. (1381 SH.). *Tafsīr-i Tasnīm*. Qom: Markaz-i Nashr-i Isrā'.

Javānī, Muḥammad. (1402 SH.). 'Ulūm-i Shinākhtī dar Jang-i Shinākhtī. Tehran: Nashr-i Navāndīshān.

Javānī, Muḥammad. (1402 SH.). 'Ulūm-i Shinākhtī va Quḍrat-i Narm dar Olgu-yi Difā'ī-yi Inqilāb-i Islāmī. Tehran: Nashr-i Ṣiyānat.

Kahneman, Daniel. (2011). *Thinking, Fast and Slow*. Farrar, Straus and Giroux.

Kazāzī, Mīr Jalāl al-Dīn. (1395 SH.). *Tafsīr-i Mawḍū'ī-yi Qur'ān-i Karīm*. Tehran: Intishārāt-i Asāfīr.

Luthan, David. (2014). *Jāmi'eh-shināsī-yi Dīn: Sarmāyeh-yi Ijtimā'ī-yi Farāgīr dar Jāmi'eh-yi Dīnī*. Trans: Ḥasan Muḥaddithī. Tehran: Nashr-i Ney.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (1377 SH.). *Tafsīr-i Nemūneh*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.

Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī. (1389 SH.). *Jāmi'eh va Tārīkh az Dīdgāh-i Qur'ān*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Motahhari, Morteza. (1370 SH.). *Majmū'eh-yi Āthār*. Tehran: Intishārāt-i Ṣadrā.

Motahhari, Morteza. (1375 SH.). *Sayrī dar Nahj al-Balāghah*. Tehran: Intishārāt-i Ṣadrā.

Norris, Fran H, Stevens, Susan P, Pfefferbaum, Betty, Wyche, Karen F, & Pfefferbaum, Rose L. (2008). "Community Resilience as a Metaphor, Theory, Set of Capacities, and Strategy For Disaster Readiness." *American Journal of Community Psychology*, 41, 127–150.

Pezhmānfār, Naṣrullāh. (1394 SH.). *Jang-i Ravānī va Tarfand-hā-yi Ān*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy.

Qurṭubī, Muḥammad ibn Aḥmad al-Anṣārī. (1405 AH). *al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Kutub al-Miṣriyyah.

Seligman, Martin E. P. (2018). *The Hope Circuit: A Psychologist's Journey from Helplessness to Optimism*. Public Affairs.

Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. (1374 SH.). al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān. Qom: Daft-ar-i Intishārāt-i Islāmī.

Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥasan. (1372 SH.). Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān. Tehran: Nāṣir Khusrāw.

Zamakhsharī, Maḥmūd ibn 'Umar. (1407 AH). al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl. Beirut: Dār al-Kutub al-'Arabī.

| Extended Abstract |

Qur'anic Strategies for Strengthening Social Resilience against Enemy Cognitive Warfare

Seyyed Masoum Hosseini , Fatemeh Hedayati

Research Objective:

This study aims to explain and analyze Qur'anic strategies for fostering social resilience in the face of the enemy's cognitive warfare. In the contemporary world, warfare is no longer confined to the military sphere; a substantial dimension of conflict unfolds within the domains of cognition, perception, belief, and social behavior. Accordingly, examining the capacities of the Holy Qur'an to promote intellectual, psychological, and institutional stability in Islamic society constitutes both a scholarly and practical necessity. This study therefore seeks to demonstrate how the Qur'an can provide a comprehensive model for strengthening social cohesion, enhancing collective insight, and countering cognitive operations.

Research Methodology:

This study adopts a qualitative approach and employs a descriptive-analytical method. The primary data were drawn from verses of the Holy Qur'an and authoritative Shi'i and Sunni exegetical sources, particularly al-Mizān, Tasnīm, Majma' al-Bayān, and Tafsīr-i Nemūneh, and other relevant commentaries. Key concepts—including social resilience, cognitive warfare, insight, patience, trust in God, contemplation, unity, consultation, enjoining what is right, and the jihad of clarification—were first examined conceptually and then organized into a four-level analytical model. This model explains the psychological-affective, cognitive-perceptual, behavioral, and institutional-civilizational dimensions of resilience in light of Qur'anic teachings.

Findings:

The findings indicate that, in addressing cognitive warfare, the Holy Qur'an does not merely present a collection of disparate ethical recommendations; rather, it offers a coherent and multilayered system of strategies for building social resilience. At the psychological-affective level, teachings such as patience, trust in God, and remembrance of God help alleviate anxiety, strengthen hope, and preserve collective tranquility. At the cognitive-perceptual level, concepts such as insight, contemplation, discernment, and verification enhance society's ability to distinguish truth from falsehood and prevent the uncritical acceptance of rumors and distorted narratives. At the behavioral level, teachings such as enjoining what is right and forbidding what is wrong, restraint in speech, social solidarity, and the avoidance of division orient collective conduct toward informed and purposeful resistance. At the institutional-civilizational level, the Qur'an emphasizes justice, consultation, the pursuit of knowledge, sound governance, and the jihad of clarification, thereby transforming social resilience into a sustainable and structurally embedded mechanism.

Conclusion:

The findings demonstrate that, from a Qur'anic perspective, social resilience is not merely an immediate or temporary response to crisis, but a continuous, rational, and faith-based system for preserving the identity, cohesion, and stability of the Islamic ummah. By integrating the psychological, cognitive, behavioral, and institutional dimensions, this system strengthens society against the enemy's cognitive warfare and enhances its capacity for reconstruction and advancement under conditions of threat. The Holy Qur'an may therefore be understood as presenting a comprehensive and practical model for confronting soft and cognitive threats—one that can also inform cultural, educational, and media policymaking.

Keywords: Social resilience; Cognitive warfare; Qur'anic strategy; Holy Qur'an; Social stability